سیره امام علی(ع) در پاسخ به تهدیدات نظامی دشمن

■ رضا خسروی

تهدید نظامی یکی از شگردها و ترفندهای دشمن برای به‌هم ریختن روحیه مردم و مسئولان یک نظام به حساب می‌آید. نکته مهم، نوع نگرش به تهدید نظامی و جهت‌گیری و اتخاذ اقداماتی است که با توجه به همان نگرش شکل می‌گیرد.

از آنجایی که تهدید نظامی، خاص دوران ما نبوده و در طول تاریخ شیوع داشته است، برای پی بردن به جواب این سؤال که در مقابل تهدیدات دشمن چگونه باید پاسخ داد؟ بهترین راه نظر به سیره امام متقین علی(ع) است. ایشان در مدت حکومت و رهبری خود بر امت اسلام، با تهدیدات مکرر از سوی دشمنان مواجه بودند. یکی از دشمنان اصلی حضرت و به تعبیری اصل و ریشه فتنه‌ها در زمان حضرت که فتنه‌های دیگر از او نشأت گرفته بود، معاویه و بنی‌امیه بود. در این مجال بر آنیم تا با توجه به پاسخ حضرت به تهدیدات نظامی و به تعبیر بهتر گزینه نظامی معاویه، الگوی مناسبی درخصوص جهت‌گیری‌ها در برابر تهدیدات نظامی به دست آوریم.

***

۱- بی‌اهمیت جلوه دادن تهدیدات نظامی

از دیدگاه حضرت اولین مرحله مقابله با تهدیدات نظامی دشمن به سخره گرفتن و بی‌اهمیت دانستن و بی‌اهمیت جلوه دادن تهدیدات نظامی است. این عمل دو کاربرد دارد ابتدا افزایش روحیه نیروهای خودی و همچنین بی‌اثر کردن بار روانی این تهدیدات بر نیروها. به همین جهت حضرت در پاسخ تهدید نظامی معاویه می‌فرمایند: «و ذکرت انه لیس لی و لأصحابی عندک الا السیف فلقد أضحکت بعد استعبار. نوشته‌ای که نزد تو برای من و یاران من چیزی جز شمشیر نیست در اوج گریه انسان را به خنده وا می‌دارد» (نهج‌البلاغه، نامه۲۸) لازم به ذکر است که این امر نباید با بی‌توجهی و عدم رصد تحرکات دشمن و یا دست کم گرفتن آنان، اشتباه گرفته شود.

از دیدگاه امام علی(ع) اولین مرحله مقابله با تهدیدات نظامی دشمن به سخره گرفتن و بی‌اهمیت دانستن و بی‌اهمیت جلوه دادن تهدیدات نظامی است. این عمل دو کاربرد دارد ابتدا افزایش روحیه نیروهای خودی و همچنین بی‌اثر کردن بار روانی این تهدیدات بر نیروها.

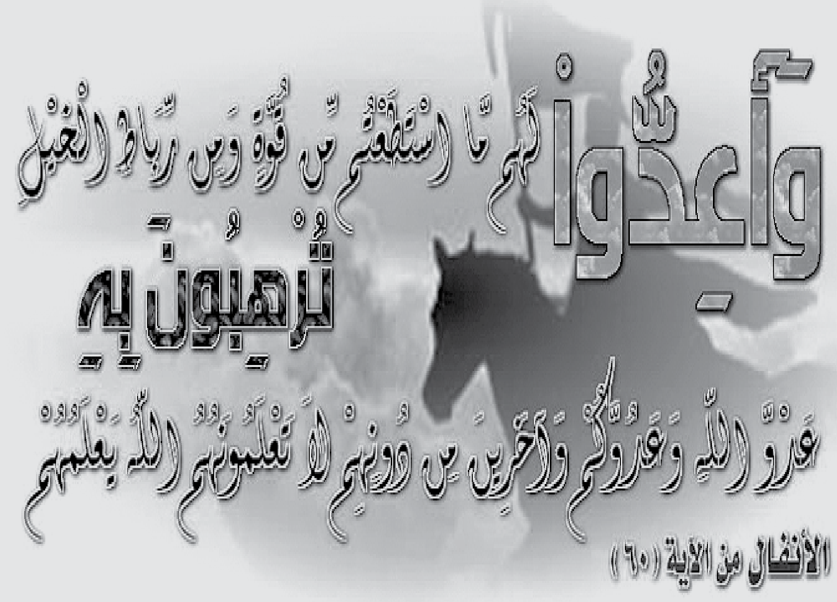
وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ
الأنفال من الآية (۶۰)

۲- یادآوری شجاعت و سلحشوری نیروهای نظامی

نکته دوم در پاسخ حضرت به گزینه نظامی دشمن، یادآوری شجاعت و سلحشوری خود و نیروی نظامی خودی برای دشمن است. بازگو کردن رشادت‌ها و مبارزات نیروی نظامی خودی و ضربات سخت آنان بر دشمن در گذشته نیز از یکسو موجب تضعیف روحیه دشمن شده و از سوی دیگر روحیه سلحشوری نظامیان خودی را افزایش می‌دهد. به همین جهت حضرت در ادامه می‌فرمایند: «متی الفیت بنی عبدالمطلب عن الاعداء ناکلین و بالسیف مخوفین فلبث قلیلا یلحق الهیجا حمل فسیطلبک من تطلب و یقرب منک ما تستبعد. فرزندان عبدالمطلب را در کجا دیدی که پشت به دشمن کنند و از شمشیر بهراسند پس کمی صبر کن که هماورد تو به میدان آید آن را که می‌جویی به زودی تو را پیدا خواهد کرد، و آنچه را که از آن می‌گریزی در نزدیکی خود خواهی یافت» (همان) بیان دفاع جانانه عزت‌مندانه رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس در برابر حمله نظامی نه تنها عراق بلکه دنیای استکبار و مزدورانشان و ده‌ها عملیات غرورآفرین رزمندگان در جبهه‌ها با وجود حداقل امکانات ممکن، که فرماندهان کارکشته نظامی دنیا را به شگفتی و تعجب واداشت و صحنه‌های بزرگ رقم خورده در این هشت سال که الگو گرفته از صحنه‌ها و ایثارگری‌های عاشورای حسینی بود، موجب افزایش روحیه شجاعت و دلاوری در نیروهای نظامی خودی و همچنین تضعیف روحیه نیروهای دشمن خواهد شد. فرمایشات مقام معظم رهبری در همین جهت است: «من تعجب می‌کنم. چرا از وضع گذشته عبرت نمی‌گیرند؟ چرا حاضر نیستند ملت ما را بشناسند؟ مگر نمی‌دانند که این ملت، ملتی است که در روزی که دو ابرقدرت در این دنیا بودند که تقریباً در همه موضوعات باهم مخالف بودند، جز در دشمنی با جمهوری اسلامی- فقط در دشمنی با جمهوری اسلامی این دو ابرقدرت: ابرقدرت آمریکا و شوروی سابق، باهم متحد بودند- ایستاد و هر دو ابرقدرت را به زانو درآورد. چرا شما عبرت نمی‌گیرید؟ امروز شما قدرت آن روز را هم ندارید. جمهوری اسلامی امروز چندین برابر قدرتمندتر از آن روز است، باز با این زبان‌ها حرف می‌زنید؟ استکبار یعنی این. از موضع تکبر حرف زدن با یک ملت، کار را با تهدید پیش بردن؛ اگر چنین نکنید، چنان خواهد شد. ملت ما هم می‌گوید که ما می‌ایستیم.» (۸۸/۸/۱۲)

به فضل الهی و با تدابیر حکیمانه مقام معظم رهبری و تلاش جهادگونه نیروهای نظامی، جمهوری اسلامی ایران اکنون به جایگاهی دست یافته است که به قول رهبر معظم انقلاب «حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران برای هیچ کشوری مقرون به صرفه نیست.»

۳- نمایش و مانور قدرت نظامی

نکته سوم در پاسخ به تهدیدات و گزینه نظامی، نمایش و به تصویر کشیدن قدرت نظامی خودی و به تعبیر امروزی مانور نظامی است. اگرچه در مانور نظامی امکانات و تسلیحات به نمایش گذاشته می‌شود اما مهم‌تر از نمایش تسلیحات، نمایش قدرت ایمان و اعتقاد و روحیه دلاوری و شهادت‌طلبی نیروهاست که در دل دشمن ایجاد رعب و وحشت می‌کند، همچنان که ما در دفاع مقدس این مسئله را به خوبی درک کردیم.

نکته اینکه گرچه در زمان حضرت امکانات رسانه‌ای برای به نمایش گذاردن قدرت نظامی وجود نداشته است، اما حضرت با ترسیم و ایجاد تصویر ذهنی برای دشمن، گویی مانوری نظامی اما ذهنی و روانی را دنبال می‌کنند: «و أنا مرقل نحوک فی جحفل من المهاجرین و الانصار و التابعین لهم باحسان شدید زحامهم ساطع قتامهم متسربلین سرابیل الموت احب اللقاء الیهم لقاء ربهم. و من در میان سپاهی بزرگ، از مهاجران و انصار و تابعان، به سرعت به سوی تو خواهم آمد، لشکریانی که جمعشان به هم فشرده، و به هنگام حرکت، غبارشان آسمان را تیره و تار می‌کند. کسانی که لباس شهادت بر تن، و ملاقات دوست داشتنی آنان ملاقات با پروردگار است.» (نهج‌البلاغه، نامه۲۸)

۴- تکیه بر نیروهای جوان

نکته پایانی در فرمایشات حضرت در نامه۲۸، تکیه بر نیروی جوان و به تعبیری تابعین و دنباله‌کنندگان منش و مرام شهداست. کسانی که حضرت با تعبیر «فرزندان» از آنان یاد می‌کنند: «و قد صحبتهم ذریه بدریه و سیوف هاشمیه. همراه آنان فرزندانی از دلاوران بدر، و شمشیرهای هاشمیان می‌آیند» (نهج‌البلاغه، نامه۲۸)

امام علی(ع) با این بیان به دشمنان می‌فهمانند که راه و سیره شهدا از یادها نرفته و نیروی نظامی حضرت جوانانی هستند که خود را مدافع و تابع سیره و مسلک شهدا در دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های الهی می‌دانند و همین نیرو است که مانند شهدا پیروزی آفرین هستند. باید دانست که منظور حضرت از فرزندان دلاوران بدر، تنها اشاره به فرزندان نسبی آنان نیست بلکه نقطه اتصال آنان و وجه اشتراکشان روحیه دلاوری و ایثار و نترسیدن از دشمنان است. به نظر می‌رسد مصداق کلام حضرت علی(ع) در زمان ما جوانان بسیجی هستند. جوانانی که روحیه و عملکرد به موقع‌شان موجب وحشت دشمنان خواهد شد: «بسیج عبارت است از مجموعه‌ای که در آنها پاک‌ترین انسان‌ها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای کمال رساندن و به خوشبختی رساندن این کشور جمع شده‌اند... مجموعه‌ای که دشمن را بیمناک و دوستان را امیدوار و خاطرجمع می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۷۶/۹/۵)

دیدگاه مقام معظم رهبری در مواجهه با تهدیدات نظامی دشمن

نقش بسیج به عنوان ادامه‌دهندگان راه و مسیر شهدا از دیدگاه مقام معظم رهبری مانند شهدا، ناامیدکننده دشمن از تسلط بر کشور و همچنین بی‌اثر کننده تهدیدات نظامی دشمن است: «نسل قبل از شما در مقابل وابستگی کشور و زیاده‌طلبی‌های دشمنان ایستاد و در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، از هویت و شخصیت ملی خود، جانانه دفاع کرد و اکنون نوبت شما جوانان است که اگر با همین ایمان و شور در صحنه بایستید، هیچ سلاحی قادر نخواهد بود ملت ایران را به زانو درآورد.»

آنچه مسلم است عملی کردن تهدیدات نظامی از سوی قدرت‌ها منوط به اطمینان خاطر طرف مقابل در موثر دانستن حمله نظامی است. حمله نظامی زمانی موثر است که دشمن از عدم بازدارندگی یا ضعف بازدارندگی طرف مقابل اطمینان حاصل نماید. از همین‌رو یکی از اقدامات دشمن پیش از حمله نظامی تلاش در تضعیف و یا متوقف کردن قدرت بازدارندگی کشوری است که قصد حمله به آن را دارد. لذا رهبر معظم انقلاب در بیانات خود تأکید می‌کنند که: «ما عناصر قدرت فراوانی داریم. اینها را باید حفظ کنیم و روزبه‌روز افزایش دهیم. ما ضعیف نیستیم، باید در مقابل تهدید آمادگی داشته باشیم. اگر نداریم، باید آمادگی ایجاد کنیم و اگر داریم، حفظ کنیم و افزایش دهیم.» (۱۳۸۰/۱۲/۲۷)

بنابراین تا زمانی که دشمن از سود و بهره بردن از حمله نظامی خود اطمینان حاصل نکند، محال است تهدیدات را عملی کند. با توجه به اینکه به فضل الهی و با تدابیر حکیمانه مقام معظم رهبری و تلاش جهادگونه نیروهای نظامی، جمهوری اسلامی ایران اکنون به جایگاهی دست یافته است که به قول رهبر معظم انقلاب «حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران برای هیچ کشوری مقرون به صرفه نیست.» (۱۳۹۳/۴/۱۶)

در چنین وضعیتی تهدیدات نظامی دشمنان بیشتر جنبه جنگ روانی و سنجش میزان قوا و امکانات دفاعی طرف مقابل خواهد بود.

آمادگی دفاعی از منظر فطرت و دین

بخش اول

■ احمدرضا دردشتی

*** متأسفانه امروزه در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور مباحثی مطرح می‌شود که نامی جز غفلت و ناآگاهی یا خیانت به مصالح ملی بر روی آن نمی‌توان نهاد. مباحثی از قبیل اعتماد به قدرت‌های بزرگ و وانهادن احتیاط و واقع‌بینی نسبت به ساخت‌های سیاسی بین‌المللی، ضروری نبودن آمادگی دفاعی و تکیه صرف بر مذاکره و گفت‌وگو در همه مسائل، بر چیزی جز ناپختگی سیاسی یا شیطنت‌هایی خطرناک دلالت نمی‌کند.**

روی کار آمدن دولت یازدهم و اعلان راهبردهای منطقه‌ای و بین‌المللی آن در پیگیری تعامل با کشورهای جهان و حل و فصل مناقشه هسته‌ای با کشورهای غربی، دمیدن روح تازه‌ای در کالبد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نوید می‌داد. دولت یازدهم اعلام کرده بود که می‌خواهد همزمان چرخ کم رونق اقتصاد را به حرکت شتابنده برساند و موضوعات سیاسی جهانی، بخصوص مسئله هسته‌ای ایران را بگونه‌ای به سرانجام برساند که هم حق ایران در داشتن و بهره‌گیری از فن‌آوری صلح‌آمیز هسته محفوظ بماند و هم عزت بین‌المللی نظام اسلامی در سطح جهان ارتقا یابد. کشورهای غربی از سال‌ها قبل گاه و بیگاه و آشکارا و پنهان از برنامه‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران، خصوصا برنامه موشکی، ابراز نگرانی کرده بودند. برای آگاهان به مسائل سیاسی پوشیده نبوده و نیست که همه بهانه‌جویی‌ها و سرسختی‌های طرف غربی در موضوع برنامه هسته‌ای، نگرانی جدی از توان امنیتی – دفاعی کشور و تهدید بالقوه آن برای امنیت و موجودیت اسرائیل بوده و هست. پس از حصول توافق میان دولت جمهوری اسلامی و شش کشور غربی و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ درباره برجام، به وضوح مشخص شد که آمریکا و متحدان غربی و عربی‌اش به دنبال محدودسازی و در نهایت نابودی توان دفاعی کشور، بویژه توان موشکی هستند. از همان آغازین روزهای دولت یازدهم که دولت همه توان خود را بر حل موضوع هسته‌ای و رسیدن به توافق با طرف‌های مخاصمه متمرکز کرده بود، عده‌ای از سیاستمداران و مدیران کشور و به تبع آنها برخی از رسانه‌های ناآگاه، ایجاد تشکیک و تردید در لزوم آمادگی دفاعی کشور را آغاز کردند. تبلیغ و ترویج این نظریه ساده‌لوحانه که می‌توان همه مسائل را با مذاکره و گفت‌وگو حل کرد و نباید بر قدرت دفاعی تأکید کنیم، قدرت دفاعی ما در برابر قدرت تهاجمی آمریکایی‌ها بسیار شکننده و ضعیف است، دین ما دین رحمانی است و با هرگونه خشونت‌ورزی مخالف است، پیام داستان کربلا مذاکره بود و باید به دنبال حل همه مسائل داخلی و خارجی با روش گفت‌وگو باشیم، باید به برجام دو و سه و چهار فکر کنیم، ... همه این ایده‌ها و ده‌ها ایده مشابه دیگر از خط فکری - تبلیغی خوشبین به وعده‌های غربی از یک سو و وادادگی در برابر فشار غرب از سوی دیگر حکایت می‌کند. در برابر این خط فکری، شخصیت‌های دلسوز و آگاه به مسائل جهانی و در رأس همه، رهبر معظم انقلاب اسلامی، همواره بر حفظ هوشیاری، آمادگی همه‌جانبه و تقویت روحیه سلحشوری در برابر توطئه‌ها و تهدیدهای نظامی احتمالی دشمن اصرار دارند. مسلما آمادگی دفاعی - نظامی یکی از قطعات پازل راهبرد دفاعی است و قطعات دیگر آن مانند مقاوم‌سازی اقتصاد، تحکیم و ترمیم پایه‌ها و سازوکارهای فرهنگ دینی، بهره‌جستن از دیپلماسی فعال و هوشمندانه در عرصه بین‌المللی و جهانی، ... هم به هیچ روی نباید مورد غفلت، تغافل و سستی قرار گیرد؛ اما اصرار بر شیوه مذاکره و وانهادن شیوه‌های عقلانی دیگر، امری است که می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به کشور وارد کند. در نوشتار حاضر ضمن تحلیل آموزه دفاع از خاستگاه فطرت انسانی و تبیین آن از منظر آموزه‌های اسلام، به پاره‌ای از مبانی، ارزش‌ها و جلوه‌های آن اشاره شده است. لازم به ذکر است این مقاله از سوی گروه شبهه شناسی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم تهیه شده است.

***

مسئلهٔ دفاع همواره به عنوان آموزه‌ای اساسی و مهم، برای همه انسان‌ها و جوامع انسانی مطرح بوده و هست. همه کشورهای کوچک و بزرگ جهان، در هرسطحی از دانش، تکنولوژی و با هرنوع نظام سیاسی و بافت فرهنگی، دفاع از حیات، هویت و منافع ملی را از اصل مسلم و تردیدناپذیر خود می‌دانند. حجم بسیار بالایی از تحقیقات نظامی، برنامه‌های استراتژیک امنیتی تهیه و تدارک نیروی نظامی و ابزارهای جنگی در بودجه سالانه دولت‌ها، نشان از اهمیت دفاع در دکترین آینده کشورها دارد.

هیچ سیستمی و از جمله جوامع انسانی در طول تاریخ بدون توجه به اهمیت دفاع و تلاش برای تقویت بنیه دفاعی خود در برابر خطرات گوناگون طبیعی و غیرطبیعی، پایدار و ماندگار نبوده است. تصویر دنیایی بدون خشونت و عاری از هرگونه ظلم و تجاوز، هرچند آرزویی زیبا و آرمانی است، اما به سبب خصلت‌های عمیق و غریزی انسان، هرگز جامه تحقق نمی‌پوشد؛ حتی به اعتقاد ما در دوران شکوفایی عقل و ایمان انسانی، یعنی دوران پرشکوه دولت مهدی موعود علیه السلام، اگرچه ظلم‌ها و جورهای سازمان‌یافته، نهادی و کلان از میان خواهد رفت و جوامع انسانی روی آرامش و خوشبختی را خواهند دید، ولی این حقیقت هرگز به معنای از میان‌رفتن همه جلوه‌ها و صورت‌های ظلم و فساد نیست؛ تا انسان انسان است و بعد حیوانی، یکی از ابعاد واقعی وجود اوست، همواره تجاوزها، تضادها و تعارض‌ها بر جای خود باقی است. ازاین‌رو هرنظریه توصیفی یا تجویزی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و ...، و هرتحلیل و ایده‌ای که مسئلهٔ دفاع و آمادگی دفاعی را بویژه در سطح ملی، کم‌اهمیت و ناسودمند تصویر کند، ریشه در ناآگاهی یا خیانت گوینده آن دارد. متأسفانه امروزه در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور مباحثی مطرح می‌شود که نامی جز غفلت و ناآگاهی یا خیانت به مصالح ملی بر روی آن نمی‌توان نهاد. مباحثی از قبیل اعتماد به قدرت‌های بزرگ و وانهادن احتیاط و واقع‌بینی نسبت به ساخت‌های سیاسی بین‌المللی، ضروری نبودن آمادگی دفاعی و تکیه صرف بر مذاکره و گفت‌وگو در همه مسائل، بر چیزی جز ناپختگی سیاسی یا شیطنت‌هایی خطرناک دلالت نمی‌کند.

*** از منظر اسلام، انسان ظلم‌پذیر و مظلومی که از حق خود به صورت پیشگیرانه یا پسگیرانه دفاع نکند، نکوهش شده است.**

فطرت انسانی و مسئله دفاع

انگیزش دفاع و رفتار دفاعی از حیات و منافع خود در برابر خطرات تهدیدکننده، انگیزه‌ای فطری، اصیل و غریزی در میان جانداران است. همه جانداران، حتی گیاهان، با اندام‌ها و دستگاه‌هایی که دست توانای آفریننده حکیم در وجود آنها نهاده است به صورت غریزی و تکوینی، در شرایطی که حیات، آسایش و دیگر منافع آنها، مثل مسکن، فرزندان، غذا، ...، در خطر نابودی و تصاحب از جانب دیگر موجودات قرار می‌گیرد، به شیوه‌های گوناگونی از خود دفاع می‌کنند. مجهز بودن بخش‌های طبیعی و فاقد شعور عقلانی در طبیعت، مانند سیستم بدنی انسان، به نظام دفاعی (کبد، غدد لنفاوی، گلبول‌های سفید،...)، از عمیق بودن پدیده دفاع در ساخت تکوینی نظام هستی دلالت می‌کند. همچنان‌که مطالعه مکانیزم‌های دفاعی در نظریه روان‌تحلیلگری فروید گویای این واقعیت است که ساختار شخصیت انسان به صورت ناهشیار بر راهبرد دفاع از سازمان روانی استوار شده است.

میل غریزی به دفاع در حیوانات، گاهی با حمله و تهاجم به منبع خطر و گاهی با فرار از صحنه درگیری و دورشدن از عامل خطرزا خود را نشان می‌دهد. همچنانکه آمادگی دفاعی مثل شیوه استتار، مقاوم‌سازی مکان زندگی، فراهم‌آوردن ابزارهای دفاعی، در میان حیوانات و انسان‌ها بر اهمیت غریزی آمادگی دفاعی در برابر آسیب‌های احتمالی دلالت می‌کند. غریزه حمله و گریز در میان حیوانات به خوبی قابل‌مشاهده است و از آنجا که حیوانات تا حد زیادی از فرصت گفت‌وگو و مصالحه بر سرمسائل اختلافی میان خود محرومند و تقریباً در مواجهه با عوامل خطرزا و آسیب‌زننده زمینه‌ای برای مصالحه و گفت‌وگو وجود ندارد، همواره به صورت غریزی، از راهبرد حمله یا گریز بهره می‌جویند. انسان‌ها به سبب برخورداری از موهبت عقل، زبان، استعدادهای متنوع و متکثر و فرصت تربیت اخلاقی، میل غریزی و فطری دفاع را به صورت‌های گونه‌گون‌تری اعمال می‌کنند. بدیهی است که هرچه ارزش‌های انسانی، تربیت اخلاقی و تمدن مبتنی بر فضایل، در میان جامعه‌ای قوی‌تر و ریشه‌دارتر باشد، شیوه‌های به کارگرفته توسط انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خود و نیز روش‌های دفاعی از خود و منافع خود، متفاوت‌تر از صورت‌های حیوانی خالص خواهد بود؛ همچنانکه هراندازه فرد و جامعه از لحاظ زمینه‌های انسانی، فقیرتر و رشدنایافته‌تر باشد، سبک‌های رفتار حیوانی و از جمله سبک‌های دفاعی غریزی، در رفتارهای آنان نمود بیشتری خواهد داشت. سبک‌های دفاعی انسان‌ها در مواجهه با عوامل خطرزا (چه عوامل انسانی و چه عوامل غیرانسانی) بستگی به مجموعهٔ شرایط و مختصات شخصی، شخصیتی و محیطی هردو طرف (تهدیدکننده و تهدیدشونده) دارد. حتی انسان‌های بسیار فرهیخته و فضیلت‌مدار، که تربیت اخلاقی مطلوب را یافته‌اند، وقتی با عاملی غیرانسانی یا عامل انسانی بی‌خرد یا فاقد تربیت و رشد اخلاقی، مواجه می‌شوند، ممکن است برای دفاع از خود به سبکی مشابه سبک تهاجمی طرف مقابل متوسل شوند.انسانی که توسط عاملی فاقد عقلانیت یا فاقد تربیت صحیح انسانی مواجه می‌شود و حیات یا منافع و مصالحش مورد هجوم و تهدید قرار می‌گیرد، اگر بخواهد از روش‌های مسالمت‌جویانه و متمدنانه استفاده کند، حیات و دیگر منافع و مصالح خود را در معرض نابودی قرار داده است و هرگز از سوی دیگر انسان‌ها، عاقل و هوشمند تلقی نخواهد شد.

ازاین‌رو چه از منظر توصیفی و چه از لحاظ تجویزی و هنجاری، سبک دفاعی انسان‌ها، تابعی از شرایط شخصی، شخصیتی و محیطی است. بنابراین تأکید و پافشاری افراطی و دائمیِ بر یک سبک دفاعی خاص (مذاکره)، ناموجه، غیرمنطقی و مردود است. مثلاً وقتی در محیط جامعه، انسان‌های گوناگونی وجود دارند که از شیوه‌های گوناگونی برای رسیدن به مقاصد و منافع خود استفاده می‌کنند و برخی از این شیوه‌ها، تهاجمی و حیوانی خالص و موجب آسیب‌رساندن به دیگران است، تأکید بر اینکه گفت‌وگو و مصالحه، در هرصورت ممکن و در هرشرایط، بهترین روش برای حل مسائل اختلافی است، توصیه‌ای بسیار نامقبول و فریبکارانه خواهد بود.

البته روشن است که در مقام توصیه و تجویز رفتار اخلاقی، همواره توصیه می‌شود که حتی‌الامکان برای دفع و رفع رفتارهای نابهنجار و قانون‌شکنانه نخست از شیوه‌های ارشاد، گفت‌وگو و مذاکره بهره جوئیم و تا می‌توان گره‌ای را با دست باز گشود از دندان بهره نبریم. اما هنگامی که طرف مقابل، شیوه صحیح تعامل را نمی‌پذیرد و همچنان بر شیوه‌های حیوانی اصرار می‌ورزد، توصیه به پافشاری بر گفت‌وگو و مذاکره نه تنها سودی ندارد، بلکه بسیار زیانبار و مشکل‌آفرین است.

اگر بپذیریم که دفاع از خود به شیوه‌های صحیح تربیتی (اکتسابی) و غریزی (آن هم در چارچوب اخلاق انسانی)، مقبول و ضروری است، آنگاه این آموزه، لوازمی را به دنبال خود خواهد داشت که چاره‌ای از تن‌دادن به آن و فراهم‌آوردن آن لوازم نیست. برای دفاع باید به ابزارها و مهارت‌ها و تکنولوژی دفاعی مجهز شد. نمی‌توان از دکترین دفاع، دفاع کرد اما لوازم و ابزارهای نرم و سخت آن را ضروری ندانست؛ ازاین‌رو هرابزار، مهارت و روشی که در دفاع از خود (شخصی- جمعی) لازم است را باید تهیه کرد و هرلحظه آماده دفاع بود؛ همچنانکه مهارت گفتگو، مدارا، تدبیر، زمینه‌سازی فرهنگی هم از ابزارهای مهم دفاع متمدنانه و اخلاقی است که بسیار مورد تأکید دین اسلام است؛ اما این همه ماجرا نیست؛ زیرا برخی از افراد، گروه‌ها و در سطح بین‌المللی، برخی از دولت‌ها، در پیگیری اهداف و منافع خود از شیوه‌هایی غیراز شیوه‌های معقول و انسانی استفاده می‌کنند و ابزارهایی هم برای آن آماده کرده و روز به روز در حال ارتقاء تکنیکی آن هستند؛ به همین سبب لازم است که ما هم آمادگی لازم و متناسب با ابزارها و شیوه‌های آنان را برای دفاع از خود در برابر تهدیدها و آسیب‌های احتمالی فراهم کنیم.

آنچه اجمالا تقریر شد، توصیفی از دریافت فطری - عقلانی ما در مسئله دفاع است. همه انسان‌ها با عقل فطری خود، مسئله دفاع را، مسأله‌ای مهم و ضروری برای بقاء خود تلقی می‌کنند؛ هرچند ممکن است در برخی مبانی فکری و چارچوب‌ها و لوازم اختلاف‌نظر وجود داشته باشد.

آموزه دفاع از منظر دین اسلام

اسلام دین فطرت است و آموزه‌های خود را منطبق و سازگار با فطرت انسانی قرار داده است؛ زیرا نسخه تشریعی دین از همان منبعی صادر شده است که نسخهٔ تکوینی وجود انسان را آفریده و تدبیر می‌کند.(۱) ازاین‌رو در همهٔ مسائل انسانی و از جمله مسئله دفاع، جانب فطرت انسانی را می‌گیرد و بر لزوم آمادگی، هوشیاری و تجهیز جامعه اسلامی به ابزارها و مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم برای دفاع از حیات، هویت و منافع نظام امت تأکید می‌کند.

از نگاه نظام ارزشی اسلام، چه در حوزه روابط میان فردی و چه در قلمرو مسائل سیاسی و اجتماعی و چه در زمینه روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها، اصل بر صلح‌جویی،(۲) خیرخواهی، پاسداشت فضائل انسانی، تأکید بر مشترکات اعتقادی و اخلاقی،(۳) رعایت قوانین و تعهدات طرفینی و مراقبت از صلح و سلم(۴) و تلاش برای زیست مسالمت‌آمیز(۵) است و مسئلهٔ دفاع، امری تبعی و ثانوی است.(۶) جنگ، جهاد و دفاع سخت در جایی تجویز می‌شود که طرف مقابل از چارچوب اخلاق و قانون بیرون رفته و شیوه تهاجم و جنگ را با هدف نابودی جامعه اسلامی، در پیش گرفته است.

صلح و مسالمت، اولویت اول در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت (ع)

در آیات قرآن کریم و سیره پیامبر و اهل‌بیت ـ علیهم السلام ـ حکم یا توصیه‌ای مبنی بر تهاجم پیش دستانه و با هدف توسعه‌طلبی وجود ندارد. سبک رفتاری پیامبر اسلام، امام علی و امام حسن ـ علیهم السلام ـ در دوران زمامداری خود گواه این حقیقت است که هیچ‌گاه جنگی را آغاز نکردند و همواره پس از ظهور زمینه‌های اولیه بروز جنگ، برای صلح و رفع خصومت و بازگرداندن امور به راه صحیح و انسانی تلاش خود را به کار می‌بستند. حتی قیام حق‌طلبانه امام حسین و نهضت خونین کربلا تنها در قالب فرهنگ والای امر به معروف و نهی از منکر و اعتراضی دینی و مدنی به حکومت فرد نالایقی چون یزید قابل بررسی و تبیین است و هرگز قیام مسلحانه بر علیه حکومت مستقر محسوب نمی‌شود. امام (ع) بر مبنای وظیفه دینی و از خاستگاه اخلاق متعالی انسانی به مشروعیت حکومت یزید، که بر خلاف معاهده معاویه با امام حسن مجتبی بسته بود، معترض بود و حاضر نبود با یزید بیعت کند. امام در کربلا هرگز پیش‌دستانه به شمشیر دست نبرد و تا آنگاه که مجبور به دفاع از خود و اهل‌بیتش نشد، به جنگ اقدام نکرد.(۷) در سطح روابط اجتماعی میان‌فردی، تا آنجا که ممکن است باید اهل مدارا، تحمل، گذشت و چشم‌پوشی از برخی رفتارهای نابهنجار بود و از شیوه دفاع خشن و انتقام‌جویانه بهره نجست؛ اما در آن دسته از مسائل اجتماعی که مصالح همه افراد جامعه به آن بستگی دارد، نمی‌توان از شیوه اغماض و چشم‌پوشی استفاده کرد؛ زیرا آسیب‌هایی که در سطح ملی و کلان ایجاد می‌شود، اولاً تباه‌کننده حقوق و مصالح همه یا اکثریت جامعه است و ثانیاً آثار و پیامدهای آن بسیار سخت‌جبران خواهد بود.(۸) چنانکه امام علی (ع) در مواجهه با گروه شورشی خوارج تا آنجا که رفتارهای آنان به تبلیغات پراکنده بر علیه امام و به هم‌ریختن گاه و بیگاه مجالس او محدود می‌شد، دست به شمشیر نبرد و با آنان برخورد سخت و خشنی نداشت؛ اما هنگامی که تحرکات آنان امنیت جامعه را مورد تهدید قرار داد و تهدیدی جدی برای جامعه اسلامی به حساب آمد، با شدت هرچه تمام با آن برخورد کرد(۹) و پس از سرکوب آنان فرمود: «چشم فتنه را از جای در آوردم!».(۱۰)

کافران دوست دارند شما از سلاح و تجهیزات خود غافل شوید، تا به یکباره بر شما بتازند.
وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً وَاحِدَةً
نساء، آیه ۱۰۲
photo: saiyar.em

*** از نگاه نظام ارزشی اسلام، چه در حوزه روابط میان فردی و چه در قلمرو مسائل سیاسی و اجتماعی و چه در زمینه روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها، اصل بر صلح‌جویی، خیرخواهی، رعایت قوانین و تعهدات طرفینی و مراقبت از صلح و تلاش برای زیست مسالمت‌آمیز است و مسئلهٔ دفاع، امری تبعی و ثانوی است. جنگ، جهاد و دفاع سخت در جایی تجویز می‌شود که طرف مقابل از چارچوب اخلاق و قانون بیرون رفته و شیوه تهاجم و جنگ را با هدف نابودی جامعه اسلامی، در پیش گرفته است.**

*** امام علی (ع) در مواجهه با گروه شورشی خوارج تا آنجا که رفتارهای آنان به تبلیغات پراکنده بر علیه امام و به هم‌ریختن گاه و بیگاه مجالس او محدود می‌شد، دست به شمشیر نبرد و با آنان برخورد سخت و خشنی نداشت؛ اما هنگامی که تحرکات آنان امنیت جامعه را مورد تهدید قرار داد و تهدیدی جدی برای جامعه اسلامی به حساب آمد، با شدت هرچه تمام با آن برخورد کرد و پس از سرکوب آنان فرمود: «چشم فتنه را از جای در آوردم!».**

دفاع از منظر داخلی و بین المللی

مسئلهٔ دفاع را می‌توان در دو سطح فردی- اجتماعی و بین‌المللی مورد بررسی قرار داد. در سطح روابط فردی، دین اسلام، ضمن احترام به حقوق انسان‌ها و تأئید و تضمین حق مقابله به مثل و آمادگی برای دفاع نرم و سخت از منافع و مصالح فردی، انسان‌ها را به خیرجویی، گذشت و بخشش تشویق کرده است. حتی آنجا که افراد می‌خواهند از حقوق خود دفاع کنند، عدالت(۱۱) و انصاف را توصیه کرده و آنها را از آلوده‌شدن به ظلم به بهانه دفاع از منافع خود بر حذر داشته است. مسئله دفاع از امور شخصی چنان اهمیتی دارد که از پیامبر نقل شده است که فرمود: «هرکس برای دفاع از خود، خانواده، همسایه، حقوق و اموالش کشته شود، شهید است.»(۱۲) البته این توصیه‌ها به معنای ظلم‌پذیری و کوتاهی نسبت به دفاع از منافع خود نیست. از منظر اسلام، انسان ظلم‌پذیر و مظلومی که از حق خود به صورت پیشگیرانه یا پسگیرانه دفاع نکند، نکوهش شده است(۱۳) انسان مؤمن، اگر هم می‌خواهد ببخشد و با بلندنظری از حق خود بگذرد، باید این کار را از جایگاه اقتدار انجام دهد نه از جایگاه ضعف و ذلت. این البته در امور معمول زندگی و مسائل مادی و کم اهمیت است، اما جایی که دین، شرف، آبرو، عزت و حیات فرد در معرض خطر و تهدید قرار می‌گیرد، دیگر مسامحه و کوتاهی روا نیست و انسان باید با تمام توان و از راه‌های مشروع و معقول، از خود و مصالح خود دفاع کرده و تا حد ممکن از آسیب دیدن آن جلوگیری کند.

در روابط سطح بین‌المللی، در آیات قرآن کریم به صورت مشخص با دو راهبرد متفاوت در مسائل سیاست خارجی مواجه هستیم. در آیات مکی غالبا به صبر، مدارا، تحمل، تبلیغ نرم و تقیه امر می‌شود؛ اما در آیات مدنی نسبت به قتال و مبارزه مسلحانه فرمان داده شده و مسلمانان موظفند با تمام توان به نبرد نظامی با کافران جنگ‌طلب روی آورند. این تفاوت راهبردی در آیات مدنی نسبت به آیات مکی، از سویی ناشی از پیچیده و گسترده‌تر شدن دشمنی‌های مشرکان بر ضد جریان نوپای اسلامی و از دیگر سو بر قوت‌یافتن مسلمانان در دفاع سخت از حیات و هویت و مصالح خود حکایت می‌کند. پیامبر اکرم (ص) از همان آغازین روزهای دعوت، همواره با دشمنی، کارشکنی و اقدامات خصمانه قریش رو به رو بود. هرچه بر شمار مسلمانان افزوده می‌شد و پیامبر از لحاظ اجتماعی شناخته شده‌تر و محبوب‌تر می‌گشت، دشمنی‌ها و مخالفت‌ها هم عمیق‌تر پیچیده‌تر و گسترده‌تر می شد. در دوران مکه، به سبب شمار اندک مسلمانان و فقدان زمینه‌ها و توانمندی‌های مبارزه و دفاع سخت و آشکار در برابر خصومت‌های بزرگان قریش، استراتژی دفاعی پیامبر در حفاظت از گروه اندک مسلمانان، صبر، مدارا، تقیه، تکیه بر گفت‌وگو و تبلیغ زبانی و مهاجرت بود و آیات قرآن هم همواره پیامبر و مسلمانان را به تقویت شکیبایی و بردباری در برابر آزارها و بدرفتاری‌ها و محدودسازی‌های مشرکان دعوت می‌کرد. با هجرت پیامبر به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی در شهر یثرب، راهبردهای دفاعی اسلام، هم همپای تغییر شرایط، تحول چشمگیری یافت و مسلمانان به فرمان پیامبر آماده دفاع سخت و نظامی از حیات جمعی و فردی خود در برابر تجاوزهای مشرکان شدند.(۱۴)

اگر در مکه سخن از «انما انت مذکر لست علیهم بمصیطر(۱۵)» است در مدینه فرمان «وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّه».(۱۶) مطرح می‌شود. در مکه سخن از تقیه، تحمل، پرهیز از درگیری و برنامه‌های فرهنگی برای حفظ نیروهاست؛ زیرا شمار مسلمانان و ساز و برگشان اندک و ناچیز است و دفاع سخت می‌تواند به نابودی آنان بینجامد؛ اما در مدینه، هم تعداد مسلمانان فراوان است و هم هویت جمعی آنان شکل گرفته و درون سازمان سیاسی اسلامی، احساس یکپارچگی و اتحاد، حکمفرماست. در دوران مکه اقدامات قریش در حصر اجتماعی و اقتصادی و آزارهای پراکنده برخی از مسلمانان بی‌پناه و فقیر،خود را نشان می‌دهد؛ اما در دوران مدینه دشمنی‌ها، سازمان‌یافته، گسترده و پیچیده شده و در قالب لشکرکشی و جنگ خود را نشان می‌دهد و از این رو راهبردها و اقدامات دفاعی هم متناسب با آن تغییر می‌کند.

بنابراین دکترین دفاع، یکی از مهم‌ترین دکترین‌های امنیتی ـ سیاسی اسلام است که خطوط اصلی و اساسی آن در آیات قرآن کریم، سخنان پیامبر، امام علی و امام حسن علیهم‌السلام و اقدامات سیاسی ـ نظامی آن سه بزرگوار و دیگر امامان اهل‌بیت (ع) ترسیم شده است.

البته روشن است که از نگاه نظام معرفتی و ارزشی اسلام، مسئلهٔ دفاع، آموزه‌ای تعبدی نیست. اگر در آیات قرآن و سنت گفتاری و رفتاری پیامبر و امامان اهل‌بیت بر آن تأکید می‌شود، ارشاد و هدایت به تفکری است که منشأ و خاستگاه اصلی آن فطرت انسانی است. عقلانیت فطری انسان، دفاع از حیات، هویت، ارزش‌ها و متعلقات فرد و جامعه در برابر تهدیدها و اقدامات خصمانه دشمنان را جزء حقوق مسلم فطری انسان‌ها تلقی می‌کند.

از نگاه اسلام، جنگ به خودی خود، نه ممدوح است و نه مذموم؛ ستایش جنگ و جنگاوران با برچسب مجاهدان فی سبیل الله(۱۷) به فرمان ولی خدا، وجود اهداف مقدس الهی و دفاع از حیات مادی و معنوی جامعه اسلامی بستگی دارد؛ همچنان‌که جنگ، با اهداف مادی و تجاوز به دیگر کشورها و ملت‌ها، مذموم و ناپسند و حرام تلقی شده است.(۱۸)

***در آیات قرآن کریم و سیره پیامبر و اهل‌بیت-علیهم السلام- حکم یا توصیه‌ای مبنی بر تهاجم پیش دستانه و با هدف توسعه‌طلبی وجود ندارد. سبک رفتاری پیامبر اسلام، امام علی و امام حسن(ع) در دوران زمامداری خود گواه این حقیقت است که هیچگاه جنگی را آغاز نکردند و همواره پس از ظهور زمینه‌های اولیه بروز جنگ، برای صلح و رفع خصومت و بازگرداندن امور به راه صحیح و انسانی تلاش خود را به کار می‌بستند.**

---

۱. روم/۳۰
۲. انفال: ۶۱
۳. آل عمران:۶۴
۴.. توبه:۴ و ۷.
۵. ممتحنه:۶-۹.
۶. بقره: ۱۹۰ تا ۱۹۴، حج: ۳۹ و۴۰، ....
۷. رک: عباس صفایی حائری، تاریخ سیدالشهداء، انتشارات مسجد جمکران، قم، بی‌تا.
۸. نگاه کنید به مجموعه مسائل مربوط به تعزیرات، حدود و قصاص در قانون مجازات اسلامی و کتب مبسوط فقهی.
۹. رک: استاد مطهری، جاذبه و دافعه علی (ع)
۱۰. نهج البلاغه: خطبه ۹۲.
۱۱. مائده:۸.
۱۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه،ترجمه حمید رضا شیخی، ج۶ ص۲۸۸۲، ح۹۷۹۵
۱۳. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۲، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، باب ۱، ح، ۱۳، آل البیت.
۱۴ حج: ۳۸ و ۳۹؛ انفال: ۵-۲۶.
۱۵. غاشیه: ۲۲ و ۲۳.
۱۶. انفال: ۶۰.
۱۷. بقره: ۱۵۴
۱۸. بقره: ۱۹۰.

صفحه معارف روزهای: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱